

اهمیت مسئله

فناوری‌های دیجیتال در دنیای معاصر به یکی از ارکان اساسی زندگی بشر تبدیل شده‌اند. این فناوری‌ها نه تنها نحوه ارتباطات، کار و زندگی روزمره ما را تغییر داده بلکه به طور قابل توجهی بر حقوق بشر نیز تأثیر گذاشته‌اند. هوش مصنوعی (AI) حوزه‌ای گسترده و چندوجهی است که حضوری فراگیر دارد. این فناوری با وجود نگرانی و عدم اطمینان‌ها، پتانسیل بالایی در تمامی حوزه‌ها دارد و می‌تواند در زمینه حقوق بشر نیز مؤثر باشد؛ با این حال، نقش انسان‌ها همچنان حیاتی است و باید به طور فعال در این فرایند مشارکت کند.

نقاط عطف اولیه در توسعه هوش مصنوعی و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر هر دو به اواخر دهه ۱۹۴۰ بازمی‌گردد. این دو برای حدود ۵۰ تا ۶۰ سال به طور موازی توسعه یافته، اما به ندرت به هم نزدیک شدند و تنها در ۱۰ تا ۲۰ سال اخیر تعامل بین حقوق بشر و هوش مصنوعی به موضوعی مهم تبدیل شده است. با شروع تعاملات، این سؤال همواره مطرح بوده که چه نوع رابطه‌ای بین این دو وجود دارد؟ آیا هوش مصنوعی ابزاری در خدمت و به نفع انسان است یا مسئله‌ای به ضرر انسان؟ قبل از پرداختن به این مسئله، باید به چند نکته توجه نمود: اول، رابطه این دو حوزه حقوقی و فناورانه اساساً شبکه‌ای از روابط چندجانبه است و نمی‌توان به راحتی استدلال کرد که هوش مصنوعی تأثیر صرفاً مثبت یا منفی بر حقوق بشر دارد یا خیر. دوم، این یک تعامل است و در نتیجه تأثیری متقابل وجود دارد؛ به این معنی که هوش مصنوعی و حقوق بشر متقابلاً بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در این راستا حقوق بشر می‌تواند به عنوان معیار سنجش پذیرش جامعه در نحوه استفاده از هوش مصنوعی و ارائه راهنمایی‌های خاص، شناسایی موانع و پذیرش ریسک استفاده شود. سوم، در کنار تمامی خدمات به جنبه‌های مختلف زندگی انسان‌ها، دو نوع ریسک ساختاری و عملکردی برای هوش مصنوعی قابل تصور است؛ در ریسک ساختاری به ماهیت طراحی خود هوش مصنوعی و نگرانی‌های مرتبط با دانش فنی آن پرداخته می‌شود ولی در ریسک عملکردی تمرکز بر عملکرد هوش مصنوعی و نگرانی‌های هنجاری است. چهارم، نکته مهم این است که بسیاری از هنجارهای حقوق بشر عامل ایجاد شکاف‌های خاص در هوش مصنوعی شده‌اند؛ در واقع، هوش مصنوعی می‌تواند به گسترش این شکاف‌ها بینجامد. به عنوان مثال، تولید هوش مصنوعی معمولاً در مناطق خاصی از جهان، به ویژه در مناطق در حال توسعه و جنوب متمرکز است، در حالی که افراد در جهان پیشرفته بیشتر از مزایای استقرار هوش مصنوعی



سرکار خانم مرضیه تاجمیری

دانشجو دکتری
رشته روابط بین الملل
دانشگاه اصفهان



بهره‌مند می‌شوند؛ این پدیده به‌عنوان «استعمار هوش مصنوعی» شناخته می‌شود. از طرفی مسائل مرتبط با حقوق بشر مانند لزوم حمایت از انسان‌ها و اجرای حقوق عموماً توسط دولت‌ها اجرایی می‌شود اما در صحبت از هوش مصنوعی دولت‌ها تمرکز اصلی نخواهند بود. مسئله اصلی این است که در تعهد به حفاظت از حقوق، دولت‌ها دخیل هستند و هوش مصنوعی در این چارچوب قرار می‌گیرد.

جایگاه هوش مصنوعی در اسناد حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر نقطه شروع بررسی میزان اهمیت هوش مصنوعی و جایگاه آن در حقوق بشر است. علی‌رغم اینکه این اعلامیه به‌خودی‌خود یک سند الزام‌آور قانونی نیست اما به‌عنوان الگویی برای کل حقوق بشر در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی عمل می‌کند و الزام‌آور است. همچنین بر خلاف سایر حقوق، اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر مواد قانونی بسیار مجمل و مختصر در یک صفحه است، درحالی‌که مثلاً حقوق مالیاتی در حجم بالغ بر ۵۰۰ صفحه، موارد قانونی را متذکر شده است؛ البته این اختصار به قضاات اجازه می‌دهد تا با تفسیر حقوق، انعطاف‌پذیری لازم برای تطبیق با تحولات سیاسی، تکنولوژیکی و اجتماعی را داشته و آن را به‌عنوان ابزاری زنده حفظ نمایند؛ بنابراین، وقتی از حقوق بشر به‌عنوان قانون صحبت می‌کنیم، در واقع در مورد تعادلی پویا و جاری صحبت می‌کنیم که درباره حقوق بشر فناورانه هم صدق می‌کند.

اعلامیه جهانی از نظر مباحث مربوط به فناوری خنثی است، اما همواره نیاز به بازنگری داشته تا با پیشرفت‌های تکنولوژیکی جدید سازگار شود؛ لذا تلاش‌های گسترده برای تطبیق حقوق بشر با تحولات دیجیتال و ارائه چارچوب‌های جدید صورت گرفته است. به‌عنوان مثال، شورای حقوق بشر سازمان ملل قطعنامه‌ای درباره حقوق حریم خصوصی در عصر دیجیتال صادر کرده است که طبق استانداردهای اعلامیه جهانی، استفاده از فناوری باید شفاف و سازگار با حقوق بشر بوده و داده‌های ورودی نیز باید فراگیر و دقیق باشند؛ همچنین پیش‌نویس منشور حقوق بشر و اصول اینترنت تهیه شده است (www.ohchr.org). در تلاشی دیگر در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق دیجیتال تنظیم شده است (GDC-submission-Article19)؛ همچنین در اتحادیه اروپا، منشور دیجیتال اروپا در چارچوب صندوق آزادی دیجیتال ایجاد شده و یا قوانین عمومی حفاظت از داده (GDPR)، شرکت‌ها را ملزم می‌کند که اطلاعات شخصی کاربران را با دقت مدیریت کرده و حریم خصوصی آن‌ها را محترم بشمارند. در این اسناد از حقوق جدید همچون حق انصراف از داشتن پروفایل، حق بهره از شفافیت الگوریتمی (در کنار حفظ حریم خصوصی و عدم افشای همه مسائل) و حق درخواست انسان در عدم استفاده از عدالت الگوریتمی (حق قضاوت‌نشدن توسط ماشین) نام‌برده شده است (www.gdpr.eu). بنابراین سؤالات بزرگی مطرح می‌شود که آیا اینها واقعاً حقوق

جدیدی هستند؟ آیا با مشخصات حقوقی که از قبل در جوامع وجود دارد همخوانی دارند؟ آیا نهادها و دادگاه‌های بین‌المللی و در ذیل آن دادگاه‌های داخلی توان اعمال این استانداردها را در زمینه جدید دارند؟ آیا جامعه‌پذیری مفاهیم و چارچوب‌های جدید انضباطی و تطابق با آنها هست؟

در راستای همین مسئله می‌بایست قانون حقوق بشر در کنار توسعه و استفاده از فناوری‌های دیجیتال بین‌المللی، یک‌سری حفاظ‌هایی فراهم کند که مزایا و ارزش افزوده این فناوری‌ها را به حداکثر برساند و در عین حال تأثیرات مضر بالقوه بر حقوق بشر را کاهش داده و مهار کند. یکی از راه‌های تحقق این هدف، اجرای تعهدات و مسئولیت‌های تعیین شده برای دولت‌ها و مشاغل است. در این مسیر مشکلاتی همچون هماهنگی ناکافی (تعداد زیادی از بازیگران و فرایندها در رسیدگی به مسائل مربوط به فناوری‌های دیجیتال در سیستم حقوق بشر)، دسترسی محدود به اسناد (پایگاه‌داده و وب‌سایت‌های پراکنده، حجم وسیع اطلاعات و مرحله همپوشانی و دروازه‌بانی اطلاعات) و نبود ظرفیت پاسخگویی به مسائل مرتبط با فناوری و مشاوره فوری در زمینه خاص، پیش روی دولت‌ها و سایر بازیگران عرصه بین‌الملل وجود دارد (Human Right an AI - HRC56).

در دو دهه گذشته در راستای جبران کمبود قوانین مربوط به تکنولوژی و یا ناتوانی سازمان‌ها در اجرای آنها، تلاش شد از مسئولیت‌های حقوق بشری شرکت‌ها و مشاغل صحبت شود، زیرا این شرکت‌ها با اجرای سیاست‌های شفاف و پاسخگو، می‌توانند نقش مهمی در حمایت از حقوق بشر ایفا می‌کنند. در این راستا با استناد به اصول راهنمای سازمان ملل و ارائه چارچوبی برای تجارت و حقوق بشر استدلال شد که شرکت‌ها باید وظیفه خود را برای محافظت در برابر سوءاستفاده اشخاص ثالث انجام دهند و این مسئولیت‌ها را می‌توان در طول توسعه محصول، راه‌اندازی در کشور جدید یا تشکیل شراکت تجاری جدید اعمال کرد. برای نمونه شرکت‌هایی مانند مایکروسافت به اصول راهنمای سازمان ملل متعهد هستند و زمان زیادی را صرف بررسی تنظیم و اجرای این تعهدات کرده‌اند. مایکروسافت به طور خاص در بررسی و تحقق رعایت حقوق بشر در مورد هوش مصنوعی فعالیت داشته است. تعهدات آن به حقوق بشر از سال ۲۰۰۶ با امضای پیمان جهانی سازمان ملل آغاز شد؛ این پیمان شامل ۱۰ اصل است که مایکروسافت این تعهد را در سال ۲۰۰۸ گسترش داد و به یکی از اعضای مؤسس ابتکار شبکه جهانی (GNI) تبدیل شد. مایکروسافت اولین نسخه عمومی خط‌مشی حقوق بشر خود را در سال ۲۰۱۲ منتشر کرد و در سال ۲۰۱۶ آن را به‌روزرسانی کرد. برای اجرای این سیاست، یک تیم حقوق بشری وجود دارد که مسئول گزارش سالانه شفافیت حقوق بشر و گزارش دوسالانه اعتماد دیجیتالی را منتشر می‌کند که به بررسی داده‌های درخواستی دولت و مجریان قانون برای دسترسی به داده‌های کاربر و تعدیل محتوا می‌پردازد (www.microsoft.com). از آنجاکه مایکروسافت بر نحوه جمع‌آوری و ذخیره داده‌های کاربران و مشتریان تمرکز دارد، مسائل برجسته

حقوق بشر مانند حریم خصوصی، آزادی بیان و امنیت آنلاین مطرح می‌شود که از اهمیت بالایی برخوردار است. این موضوعات در گذشته بیشتر بر موارد آزار جنسی کودکان در فضای مجازی و آنلاین متمرکز بود، اما در سال‌های اخیر به محتوای مجازی افراطی و تروریستی نیز گسترش یافته است.

مایکروسافت در زمینه هوش مصنوعی نیز فعالیت‌های گسترده‌ای دارد و سندی مبتنی بر شش اصل هوش مصنوعی را منتشر کرد که شامل حریم خصوصی، قابلیت اطمینان، گنجاندن، انصاف، مسئولیت پذیری و شفافیت است و برطبق آن این شرکت با استفاده از کلمه «ذی نفع» به جای «دارنده حقوق» به تعامل با کاربران خود می‌پردازد (Approach responsible AI at Microsoft: 4).

این شرکت مالک لینکدین (LinkedIn) با حدود ۹۵۰ میلیون کاربر در سراسر جهان، ویندوز ۱۰ (Windows 10) و ویندوز ۱۱ (Windows 11) نیز به ترتیب با حدود ۱.۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون کاربر در سراسر جهان و اسکایپ (Skype) با سه میلیارد دقیقه تماس در روز است؛ بنابراین، نحوه تعامل با این کاربران به گونه‌ای که از حقوق خود مطلع شوند، یک چالش مهم است؛ لذا شرکت‌هایی مانند مایکروسافت محتوای زیادی را در پلتفرم‌های متعدد میزبانی می‌کنند و درخواست‌های زیادی از سوی دولت‌ها برای تعدیل محتوا دریافت می‌کنند؛ پس در زمینه آزادی بیان، هوش مصنوعی نقش مهمی در شخصی‌سازی محتوا و تعدیل آن دارد (www.microsoft.com).

چالش‌ها و فرصت‌های هوش مصنوعی برای حقوق بشر

از آنجاکه از یک سو، این فناوری‌های دیجیتال می‌توانند به ترویج و حفاظت از حقوق بشر کمک کنند؛ اما از سوی دیگر، می‌توانند به نقض این حقوق نیز منجر شوند و در این قسمت بررسی و پرداخت هم‌زمان به چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از تعامل حقوق بشر و فناوری‌های دیجیتال ضروری است. برای مدیریت خطرات مرتبط با هوش مصنوعی، آگاهی و برنامه‌ریزی به موقع ضروری است تا بتوانیم نحوه استفاده از این فناوری و تأثیرات آن بر زندگی را مشخص کنیم و از بروز آسیب‌های احتمالی جلوگیری نماییم. یکی از نخستین تأثیرات هوش مصنوعی مربوط به حریم خصوصی است. هوش مصنوعی با جمع‌آوری داده‌ها از افراد، می‌تواند از این داده‌ها برای تولید نتایج متنوعی استفاده کند که ممکن است بر افراد حقیقی و حقوقی تأثیر بگذارد. این مسئله شامل اطلاعاتی درباره هویت، فعالیت‌ها و اهداف افراد است که بسیاری از مردم از نحوه نگهداری و استفاده از این داده‌ها آگاهی ندارند؛ بنابراین، مسائل مربوط به حریم خصوصی بسیار حائز اهمیت هستند.

مشکل اصلی در توسعه هوش مصنوعی این است که ما تمایل داریم از منظر فردی به این فناوری نگاه کنیم و آن را جدا از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نظر بگیریم. اما واقعیت این است که همه

این مسائل به هم پیوسته‌اند و باید به صورت یک کل در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال، فناوری تشخیص چهره کاربردهای دوگانه‌ای دارد؛ هم می‌تواند مفید باشد و هم مخرب. در هند، پلیس دهلی از فناوری تشخیص چهره همراه با نرم‌افزار هوش مصنوعی برای حل مشکل کودکان گمشده استفاده کرد و توانست در یک هفته بیش از ۳۰۰۰ کودک گمشده را به خانواده‌هایشان بازگرداند؛ اما همین فناوری برای کنترل اجتماعی، شناسایی و سرکوب معترضان نیز به کار می‌رود و آزادی بیان و فضای مدنی را محدود می‌کند.

در سال ۲۰۱۳، ادوارد اسنودن افشا کرد که آژانس امنیت ملی ایالات متحده (NSA) به طور گسترده ای اطلاعات شخصی کاربران اینترنت را جمع‌آوری می‌کند؛ این اقدام به شدت حریم خصوصی افراد را نقض کرده و نگرانی‌های جهانی را در مورد نظارت دولتی ایجاد کرد (-www.theguardian.com).

رژیم‌های سرکوبگر از نرم‌افزارهای نظارتی برای ردیابی فعالان حقوق بشر و مخالفان سیاسی استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، نرم‌افزارهایی مانند (Pegasus) که توسط شرکت (NSO Group) توسعه یافته‌اند، به دولت‌ها اجازه می‌دهند تا گوشی‌های هوشمند افراد را هک کنند و اطلاعات حساس آن‌ها را جمع‌آوری کنند. البته این مسئله فقط به دولت‌ها، شرکت‌ها و نهادها ختم نمی‌شود و سوءاستفاده از فناوری توسط بازیگران غیردولتی و گروه‌های تروریستی مانند داعش از شبکه‌های اجتماعی برای جذب نیرو و سازماندهی حملات باید موردنظر باشد که این سوءاستفاده از فناوری‌های دیجیتال تهدیدی جدی برای امنیت عمومی و حقوق بشر است (Rodrigues, 2020: 4.5).

مثال دیگر، استفاده کشورها از سیستم‌های تسلیحات خودکار و پهپادهای مجهز به هوش مصنوعی است. این تسلیحات، ارتشی فاقد احساسات انسانی را تشکیل می‌دهند و نیاز به شمولیت آن‌ها در قوانین مربوط به سلاح‌های مرگبار را مطرح می‌کنند. این مسئله دردناکی است که در مناطق درگیری، تصمیم‌نهایی در مورد زندگی انسان‌ها به ماشینی سپرده شود که از زندگی و مرگ درکی ندارد؛ لذا نیاز به تعیین معیارهایی در مورد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و یافتن راهی برای جلوگیری از سوءاستفاده از این فناوری است.

دوم؛ در بحث از فرصت‌های به دست آمده از هوش مصنوعی می‌توان به کمک این فناوری به ترویج و حفاظت از حقوق بشر اشاره کرد. شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین می‌توانند فضایی برای بیان نظرات و اعتراضات فراهم کنند و صدای افرادی که معمولاً نادیده گرفته می‌شوند را به گوش جهانیان برسانند. به عنوان مثال، جنبش‌هایی مانند #MeToo در سال ۲۰۱۷ و #Black Lives Matter در سال ۲۰۱۳، با استفاده از رسانه‌های اجتماعی توانستند توجه جهانیان را به صدای زنان در برابر آزار و اذیت جنسی و درکنار آن نقض حقوق بشر، تبعیض و نژادپرستی علیه سیاهان

جلب کنند که تاکنون نیز ادامه دارند. در موردی دیگر جنبش بهار عربی در دهه ۲۰۱۰، با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توییتر توانست میلیون‌ها نفر را برای اعتراضات علیه رژیم‌های دیکتاتوری بسیج کند و تأثیر زیادی بر تحولات سیاسی در خاورمیانه بگذارد.

در کنار این مزیت، یکی از مشکلات اساسی وجود محتوای نامناسب در مجموعه داده‌هایی است که برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی استفاده می‌شود. این مسئله می‌تواند به تولید مدل‌هایی منجر شود که دارای تعصبات نژادی و جنسیتی هستند؛ لذا در اینجا بحث مدیریت محتوای آنلاین و رعایت این اصول در شرکت‌ها مطرح می‌شود که طی آن محتوای نژادپرستانه و جنسیت‌گرا باید به سرعت شناسایی و حذف شود. نکته قابل تأمل این است که امروزه در مواجهه با فناوری‌های هوش مصنوعی، به جای حق کرامت انسانی و محافظت از آن، حق حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها مطرح می‌شود و به‌عنوان اصل تلقی می‌گردد؛ بنابراین دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ فناوری که با این چالش مواجه بوده‌اند و تلاش کرده‌اند تا با استفاده از مجموعه داده‌های تعدیل‌شده، حریم خصوصی را حفظ و سایر مشکلات را کاهش دهند. با این حال، استفاده از این مجموعه داده‌ها هزینه‌بر بوده و نیاز به منابع مالی و انسانی زیادی دارد (Aizenberg and van den Hoven, Jeroen, 2020: 5-6).

سوم؛ فناوری‌های دیجیتال می‌توانند به افزایش شفافیت در فرایندهای دولتی، افزایش پاسخگویی دولت‌ها و کاهش فساد کمک کنند. با استفاده از فناوری بلاک‌چین برای ثبت تراکنش‌ها و اطلاعات مالی، دولت‌ها می‌توانند اطلاعات مربوط به تصمیمات خود را به‌صورت شفاف و قابل دسترسی برای عموم قرار دهند و یا از آن برای ثبت رأی‌گیری در انتخابات استفاده کرده‌اند تا تقلب را کاهش دهند. از سوی دیگر پلتفرم‌هایی مانند Open Government Partnership (OGP) به دولت‌ها کمک می‌کنند تا اطلاعات مربوط به تصمیمات خود را به‌صورت شفاف منتشر کنند و شهروندان بتوانند به راحتی به این اطلاعات دسترسی داشته باشند.

همین مسئله شفافیت در هوش مصنوعی در ارتباط با افراد و آگاهی آنها از دامنه و گستره فرایندهای تصمیم‌گیری الگوریتمی متفاوت است؛ بسیاری از افراد از وجود چنین فرایندهایی و یا تأثیر آن بر حقوق خود آگاه نیستند. از آنجا که حقوق تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که امکان توسل به آنها وجود داشته باشد و این امکان تنها زمانی فراهم است که افراد بدانند با چه چیزی سروکار دارند؛ لذا در حال حاضر، وقتی در مورد حقوق فردی صحبت می‌کنیم، تعادل بین حقوق فردی و سایر حقوق باید مورد توجه قرار گیرد ولیکن هنوز به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که فرد بداند که در حق آزادی بیان او کجا و چگونه مداخله شده است (Toll et al., 2020: 10-14).

چهارم؛ فناوری‌های دیجیتال همچنین ابزارهای نوینی را برای سازمان‌های حقوق بشری فراهم کرده‌اند

تا بتوانند نقض حقوق بشر را مستند کنند و به اطلاع عموم برسانند. سازمان‌هایی مانند (Amnesty International) از فناوری‌های دیجیتال برای مستندسازی نقض حقوق بشر استفاده می‌کنند. آن‌ها با استفاده از دوربین‌های موبایل و نرم‌افزارهای ضبط صدا، شهادت‌های عینی را جمع‌آوری کرده و آن‌ها را منتشر می‌کنند. پروژه (Witness) نیز با هدف آموزش فعالان حقوق بشر در استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای مستندسازی نقض حقوق بشر ایجاد شد؛ این پروژه به افراد آموزش می‌دهد که چگونه با استفاده از دوربین‌های خود، نقض حقوق بشر را ثبت کنند.

از دیگر سو باید در نظر گرفت که در جوامع پیشرفته، شکاف دیجیتالی ناشی از نوآوری‌های تکنولوژیکی برای گروه‌های خاصی از جامعه، به‌ویژه جوانان، بسیار مهم است. هدف در حقوق بشر این است که اطمینان حاصل کنیم همه فرصت دسترسی و درک فناوری‌هایی که به بخشی از زندگی روزمره ما تبدیل شده‌اند را دارند. علاوه بر این، باید فرصت‌های برابر برای آموزش نحوه استفاده مسئولانه از این فناوری‌ها فراهم شود. بنابراین، شکاف اولیه بین دانشجویانی که به فناوری دسترسی دارند و آن‌هایی که ندارند و شکاف دوم به نحوه استفاده صحیح از آن برمی‌گردد که چالش‌های حقوق بشری متفاوتی ایجاد می‌کند. برای مثال، در یک مطالعه در سال ۲۰۲۳ مشخص شد که ۶۰ درصد از دانشجویان در کشورهای در حال توسعه به اینترنت دسترسی ندارند و این امر باعث افزایش نابرابری‌های آموزشی می‌شود (Raso et al., 2018: 20-23).

نتیجه

هوش مصنوعی و تحول دیجیتال تغییرات بسیاری را در نحوه دید مردم به این فناوری‌ها ایجاد کرده است. تعداد روبه‌افزایش متخصصین هوش مصنوعی و در کنار آن خیل عظیم رو به فزون کاربران، نشان‌دهنده اهمیت و گسترش این حوزه است. باید در نظر داشت که فناوری همیشه سال‌ها جلوتر از قانون است و برای قانون‌گذاران سخت است که با این پیشرفت‌ها همراهی کنند. ما با مجموعه‌ای از اصول حقوق بشر شروع کردیم که به‌مرورزمان به معاهدات و کنوانسیون‌ها و قوانین اساسی ملی تبدیل شدند؛ این اصول که از اعلامیه جهانی حقوق بشر الهام گرفته شده‌اند، در سیستم‌های حقوقی داخلی قابل اجرا هستند. شرکت‌ها نیز به نوبه خود با این اصول کار کرده و از آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند. چالش‌های مسئولیت در فناوری‌های نوین و نقش دولت‌ها و شرکت‌ها در تنظیم محتوا از جمله موضوعات مهمی هستند که نیازمند بررسی و شفافیت بیشتر هستند؛ بنابراین، همکاری بین‌المللی و تدوین قوانین مناسب برای مدیریت این فناوری‌ها ضروری است. در این راستا یکی از درس‌های مهمی که از انفجار رسانه‌های اجتماعی در دهه گذشته آموخته‌ایم این است که ما در حال تجربه و آزمایش و وضع مقرراتی برای این رسانه‌ها هستیم که به‌شدت به آن نیاز دارند

و این مقررات باید به گونه‌ای باشد که مقاومت و پایداری را افزایش دهد. این رویکردی است که باید در مواجهه با فناوری‌های نوین اتخاذ کنیم؛ باید به آینده نگاه کنیم و تأثیرات احتمالی آن را پیش‌بینی کنیم و یاد بگیریم چگونه می‌توانیم مردم را به استفاده مسئولانه از فناوری تشویق کنیم و همچنین شرکت‌های فناوری را به پیروی از اصول اخلاقی و کمک به حفاظت و ارتقای حقوق بشر ترغیب کنیم.

منابع

- Aizenberg, E., & van den Hoven, J. (2020). Designing for human rights in AI. *Big Data & Society*, 1–14. <https://doi.org/10.1177/2053951720949566>
- ARTICLE 19. (n.d.). Submission to the Global Digital Compact's (GDC) open consultation.
- GDPR. (n.d.). What is GDPR?. Retrieved from <https://gdpr.eu/what-is-gdpr/>
- MacAskill, E., & Borger, J. (2013). Edward Snowden: NSA whistleblower reveals himself. *The Guardian*. Retrieved from <https://www.theguardian.com/world/2013/jun/09/edward-snowden-nsa-whistleblower-surveillance>
- Microsoft. (2023). Annual report 2023. Retrieved from <https://www.microsoft.com/investor/reports/ar23/index.html>
- Microsoft. (n.d.). Human rights statement: Our responsibility. Retrieved from <https://www.microsoft.com/en-us/corporate-responsibility/human-rights-statement#our-responsibility>
- Microsoft. (n.d.). Putting principles into practice: How we approach responsible AI.
- Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR). (2021). Right to privacy in the digital age: Report 2021. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/calls-for-input/2021/right-privacy-digital-age-report-2021>

- Raso, F. A., Hilligoss, H., Krishnamurthy, V., & Bavitz, C. (2018). Artificial intelligence & human rights: Opportunities & risks. Berkman Klein Center Research Publication, No. 2018-6, 1–63. Retrieved from https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3259344
- Rodrigues, R. (2020). Legal and human rights issues of AI: Gaps, challenges and vulnerabilities. *Journal of Responsible Technology*, 4, 1–21. <https://doi.org/10.1016/j.jrt.2020.100005>
- Toll, D., Lindgren, I., Melin, U., & Madsen, Ø. C. (2020). Values, benefits, considerations and risks of AI in government: A study of AI policy documents in Sweden. *JeDEM*, 12(1), 40–60. <https://doi.org/10.29379/jedem.v12i1.600>
- United Nations Human Rights Council (UNHRC). (n.d.). Human rights and new and emerging digital technologies, including AI: HRC56.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی